

اولین شماره ماهنامه دانشجویی علمی - فرهنگی پردیس شهید  
رجایی ارومیه



شهریور ماه ۱۴۰۲

# نگار وجود و عدم حقیقت







- ۳ سر دبیر دات آی آر
- ۴ یاد باد آنکه مرا یاد آموخت
- ۵ هویت و ماهیت معلمی
- ۹ دانش مدیریت کلاس
- ۱۰ نقش اجتماعی معلم
- ۱۲ مهارت هایی که يك معلم برای معلمی نیاز دارد
- ۱۴ جهانی شدن و گشایش پنجره های جدید بر رویکردهای آموزشی



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی  
مدیر مسئول: کمیل واحدیان  
سر دبیر: مهدی محمدیان  
هیئت تحریریه: فاطمه نوروزی، بهدخت سلیمانی، محمد  
باقر نصیری، امیر وحدت، عبدالباست سید کر  
ویراستار: فاطمه نوروزی  
صفحه آرایان: مهشید پورمحمدیان، فهیمه کاظمی  
زمینه انتشار ماهنامه: علمی\_فرهنگی  
تاریخ انتشار: شهریور ماه ۱۴۰۲  
شماره یکم  
راه ارتباطی: ایتا mehdi\_mohammadian

# خداوند لوح و قلم به نام

سر دبیر دات آی آر

بسیار خوشحال هستم که برای انتشار نشریه دانشجویی به عنوان سر دبیر این نشریه به شما خوش آمد می گویم.



هدف ما انتشار مطالب علمی، پژوهشی با کیفیت و ارتباط مستقیم با جامعه دانشگاهی و جامعه علمی است. امید است مطالبی که در این نشریه برایتان قرار می دهیم، بتواند به دانش شما بیفزاید و به ارتقای دانشگاه و جامعه کمک کند. اینجا فضایی برای پیشرفت، اندیشه پردازی و هم افزایی است، پس امیدوارم با همکاری هم و تلاش مشترک، به اهداف خود برسیم.



# یاد باد آنکه مرا یاد آموخت

به نام فروزنده علم

به نام طنینِ هستر بفسر

به نام اسوه / امین

به نام شمع فروزانِ زمان

به نام معلم .....

ساربانِ عشق .....





# هویت و استعدادهای معلمی

دینک دینک دینک دینک.....

به یاد دارم طنین دلنواز آن روزها را (روزهای کودکی، شور و نشاط، روزهای نوشتن لایک فاطمه ها، روزهایی که هیپکس جز من در دفتر انشا هایش نمی فواست معلم شود. معلم.... آری..... پشتمه سار عشق و معرفت، پیام آور آگاهی.... میفواستم معلم شوم چون.... باغبان اندیشه های ژرف معلم است... پروردگار روح حکیمان، فروزنده علم و ایمان، کیمیای جسم و جان، وارث راه پیامبران، معلم است....

شاید معلم در زبان چند حرف ساده باشد اما در حقیقت آینه اندیشه نمای انسان است راهنمای راه حق و بفشونده ترین، بعد از فداست. بسان مشعلی در شبهای تاریک گمراهی فروزنده تلالو یقین معلم است.

شاید در نگاهی سنتی نقش معلم در مد تدریس کتب درسی باشد اما در نگاهی عمیق تر نقش معلم ادامه نقش تربیتی انبیاست یعنی اسوه ای امین، راهنمایی بصیر و عالمی توانا، که وظیفه هدایت، روشنگری، برنامه ریزی، آموزش، پشتیبان، مشورت، بازفورد دادن و تربیت متربیان را برای به چالش کشیدن موقعیت کنونی برای بسط و توسعه ظرفیت های وجودی به منظور کسب شایستگی ها و دستیابی به میات طیبه را برعهده دارد.

# از وصف فداکاری‌هایش قاصداست زبان

از وصف فداکاری‌های او زبان قاصر است و بشر عاجز...  
روزی از قله‌های باسوادی و ایمان سر رسید و مرا از میان کلمات نامفهوم  
نجات داد... الف ابتدای جهانم شد...

پناهگاه امن ناامنی‌های روزگارم شد و مرا از کوله بار دانش خود سیراب  
کرد. نمی‌توانم مشق عاشقی را در رخ دفتر چون ماهش توصیف کنم. همین  
قدر می‌دانم؛ منی که اینک اینجا ایستاده‌ام عصای دستی از جنس دستان  
معلم داشتم.

صبری که در مثال به ایوب می‌زنند در مقابل معلم سر خم می‌کند. اوست  
که با صبر و صلابت ما را فکرت آموخت و از جهل و نادانی (ها) سافت. در  
جوهره خود آهسته‌آهسته سوفت از فاکستر وجودش درس زندگی پر زد؛  
هرقدر از فضایل معلم بگویم کم است؛ توفیق یا شکست برنامه‌ها و  
فعالیت‌های هر جامعه به معلمان بستگی دارد هویت از وجود معلم  
سرچشمه گرفته است. اساسی که فرد در اوایل نوجوانی دارد و خود را مجزا

و متمایز از بقیه می‌داند با دستان پر مهر معلم صیقل می‌یابد و  
برای آنها چهارچوبی تشکیل می‌دهد در فصوص چگونه بودن چگونه  
عمل کردن و چگونه کارکردن و نقش خود در جامعه ایفا کردن.

هویت حرفه‌ای را توانایی معرفتی نگرشی و مهارتی و روش‌های موثر  
ایفای نقش‌های شغلی و اجتماعی مرتبط با شغل معلم میدانند.



مالک کشف هنر عاشق بر ادعا

کرده راهت را نمایان معطر

عشق را مغربه ایسان کرده از  
جان فدا راه یزدان کرده از

خط کلامت دم ز ایسان مرزنه  
لوع دل را نقش برها مرزنه

سینه دار از سه هفت آسان  
مرزنده از هیچ مزد در گمان

نرگس و مریم از دامنت سر میزنه  
در هوا از رو تو مرغ جان پر میزنه

با نمر در جان من اعجاز عیسر میقتدر  
فخر آفرین انقلاب ایند تو غوغا میقتدر

هر چه ما داریم از جوهر سودا از توست  
از معلم مسند فردوس برینج جان توست

متاسفانه امروزه اسم  
معلم در لابه لای ورق های  
کهنه لایحه ها، زیر بند  
غریب، پشت انبوهی از  
شرط و شروط، لابه لای  
تبصره ها، در تریبون معلق  
شده سخت سکوت، گم  
شده است.

کاش بر شتر قدردان غمگساری های معلم باشم .....

هرچه می دانست آموخت مرا

غیر یک اصل که ناگفته نهاد

قدر استاد نکو دانستن

حیف استاد به من یاد نداد

فاطمه نوری



## دانتر مدیریت کلاس

نقش اساسی دارد. گرچه کارایی معلم بر اساس نگرش، نیات و شخصیت از یک سو و همه جانبه بودن او بر اساس مهارت در توانمندسازی دانش آموزان از سوی دیگر؛ سنگ بنای مدیریت کلاس درس است، اما معلم به مهارت ها و فنی سازی سازمان دهنده نیاز دارد تا شرایط بهینه ای را برای تحقق یادگیری خلق کند. پس بسیار شایسته است که مدیریت کلاس و اهم مطالب مربوط به آن بررسی شود و موانع و مشکلات مدیریتی مؤثر بررسی شده و راهبردهایی جهت مقابله و رفع موانع مدیریت کلاس، تحلیل و ارائه گردد تا بتوانیم با به کارگیری راهبردها بر مشکلات فائق گشته و محیط کلاس را به محیطی جذاب، شاد و مثبت جهت حداکثر تعامل و یادگیری تبدیل کنیم.

نحوه مدیریت کلاس درس یکی از مفاهیم بنیادی در آموزش مؤثر به دانش آموزان است. در بررسی ادبیات این موضوع، وانگ، هالتر والبرگ (۱۹۹۳) در میان ۲۲۸ متغیر مؤثر برای میزان موفقیت دانش آموزان در سطوح بالاتر تحصیلی، بررسی کرده است که نحوه مدیریت کلاس درس بیشترین تأثیر را در این زمینه دارد؛ این یعنی از آنجاکه دانش آموزان بیشتر زمان تحصیلی خود را در کلاس درس سپری می کنند، به شدت در معرض تأثیرات موجود در آن قرار می گیرند. در یک کلاس شلوغ و پر هرج و مرج نه تنها نمی توان انتظار کسب موفقیت های چشمگیر از دانش آموزان داشت، بلکه ممکن است این عامل تحت تأثیر جو منفی نیز قرار گیرد و موجب انحراف دانش آموزان از مسیر اصلی آموزش شود.

پیشرفت هر جامعه در گرو آموزش و تربیت قشر دانش آموزان است و فرایند یاددهی - یادگیری آن ها به معیارهایی از جمله مدیریت کلاس درس توسط معلم بستگی دارد. معلم موفق کسی است که در کلاس مطالب درس را به گونه ای آماده کند تا پاسخ گوی تمامی چالش ها در طول تدریس باشد. معلم باید توانایی های خود را شناخته و روش های برخورد با مشکلات درس را بداند و راهبردی را اتخاذ کند که فرایند یاددهی - یادگیری را مختل نسازد.

پیشرفت هر جامعه به چگونگی کیفیت آموزش و پرورش آن جامعه بستگی دارد؛ کلاس، مرکزی برای نظام پویای تعامل انسان است و هر روز هزاران رفتار کلامی و غیر کلامی به طور فردی و جمعی در کلاس مشاهده میشود که در جای خود قابل تأمل است. فنون مدیریت کلاس به وسیله ی عوامل مشخص کننده ی موقعیت معلم و دانش آموز اندازه گیری می شود و نگرش های دانش آموزان در کلاس درس و رشد آنان با مهارت های مدیریتی معلم در کلاس توسعه پیدا میکند. مدیریت کلاس اولین سطح مدیریت آموزشی است و پایه ی سطوح بالاتر مدیریت یعنی مدیریت مدرسه، مدیریت ناحیه و مدیریت کل نظام آموزش و پرورش محسوب می شود و در شکل دادن به ساختار آموزش و فرایند تدریس و ساخت شخصیت و روند ذهنی، عاطفی، آموزشی و تربیتی دانش آموزان



## نقش اجتماعی معلّمی

### ● انواع نقش های اجتماعی

انواع نقش های اجتماعی با توجه به انواع گروه های اجتماعی، فعالیت ها و روابطی که فرد در آن قرار می گیرد، تعیین می شود. بسته به روابط اجتماعی، نقش های فردی، بین فردی (اجتماعی) و جمعی متمایز هستند. نقش های فردی بر نقش های اجتماعی و جمعی مؤثراند و بالعکس، که این چرخه ی متقابل همیشه بوده و ادامه خواهد داشت.

### ● نقش اجتماعی معلّم

انسان موجودی اجتماعی است و به برقراری ارتباط با دیگران نیازمند است؛ یکی از خصایص عمده ی آموزش و پرورش توجه به زندگی اجتماعی است و هدف اصلی آن آماده ساختن دانش آموزان برای مفید بودن و منشاء اثر شدن در جامعه است و معلّم اولین هنرپیشه در صحنه آموزش می باشد.

### ● نقش اجتماعی

نقش اجتماعی؛ «رفتاری است که از فردی که دارای موقعیت خاصی است انتظار می رود». جامعه مدرن مستلزم این است که فرد برای ایفای نقش های خاص، مدل رفتاری خود را مدام تغییر دهد. تضادهای نقش در موقعیت هایی به وجود می آیند که یک فرد ملزم به انجام هم زمان چندین نقش با الزامات متضاد می شود، و این در جامعه مدرن گسترده است؛ در چنین جامعه ای برای رشد کردن باید که نقش ها به درستی ایفا شوند و سعی شود که نقش های حقیقی را شکوفا کرده و از تضادها و تناقض ها به نفع نقش های حقیقی ایفا شده در جامعه، کم کرد و همین است که در جامعه انسانی، اساسی ترین کار تعلیم و تربیت است.







بنابراین در هر

جامعه ای برای رشد و

پیشرفت در سطح فردی،

اجتماعی و جمعی عوامل و شرایط متعددی دخیل اند. هر کدام از اعضای جامعه در قالب یک گروه و نهاد اجتماعی و یا به صورت بین فردی (اجتماعی) و جمعی، نقشی در روند حرکت جامعه به سوی سعادت و کمال دارند که در جامعه انسانی، اساسی ترین کار، تعلیم و تربیت است و کسی که این رسالت را به دوش می کشد، «معلم» است.

معلمان یکی از افراد کلیدی هستند که نقش مهمی در پرورش نیروهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در جامعه بشری دارند و می توانند دانش آموزان را که جزئی از افراد جامعه هستند و در آینده نقش ایفا می کنند، هدایت و راهنمایی کنند تا بتوانند آینده ی جامعه خود را به دست خود رقم زنند. یکی از فعالیت های لازم و ضروری برای معلمان آشنایی آن ها به فرهنگ جامعه خود است. معلمی که فرهنگ جامعه خود را بشناسد خیلی بهتر مفاهیم فرهنگی جامعه را به دانش آموز یاد می دهد تا معلمی که به فرهنگ جامعه خود آشنایی کامل ندارد.

البته همه ی لایه های فرهنگی یک جامعه، ایده آل و حتی منطبق بر حقایق جهان آفرینش نیستند و فرهنگ ها نیازمند تحولات فرهنگی (انطباق، اشاعه و تبادل) هستند.

از هدف های آموزش دانش آموزان توسط معلمان این است که آن ها بتوانند در زندگی روزمره خود تصمیم های درست و عاقلانه بگیرند تا این که دانش آموزان بتوانند به طور مؤثر در زندگی اجتماعی شرکت کنند. تنها وظیفه یک معلم آموزش و تدریس نیست بلکه معلم به عنوان یک الگوی اجتماعی برای همه ی دانش آموزان وظیفه دارد تا آن ها را از لحاظ تربیت اجتماعی و روانی تحت تعلیم خود قرار دهد.

### «امیر وحدت»





## مهارت هایی که يك معلم برای معلّمی نیاز دارد

معلم کیست؟

او کسی است که با جان و دل  
به آموزش دیگران با عشق  
و علاقه مشغول است و  
با تمام نگرش و روحیات  
خود بر آرمان ها و تربیت  
دانش آموز تاثیر می گذارد.  
و این ماهیت معلم است.  
می توانم بگویم معلم برای  
دانش آموزان یک آینه تمام  
نماست.

رفتار معلم، حرکات معلم، راه رفتن معلم،  
نوع پوشش، نوع محبت، طرز گفتار، برخورد با  
دانش آموزان و حتی رنگ لباس هایی که استفاده  
می کند؛ در نگرش دانش آموز موثر است و دانش  
آموزان، وارثان جامعه، از او الگو میگیرند و او را  
سرلوحه خویش قرار داده و از او سرمشق میگیرند  
مرحله لاینفک و حائز اهمیت، مرحله ای است  
که معلم روی نگرش و شخصیت خود کار کند و  
به خودباوری و خودسازی برسد، چرا که تا انسان  
خودساخته و معنویت گرا نباشد، سایر تلاش های  
او نیز دستاوردی برای جامعه سازی به دنبال  
نخواهد داشت.

((اگر به من ماهی دهی یک روز مرا سیر کرده ای  
ولی اگر به من ماهیگیری یاد دهی یک عمر مرا  
سیر کرده ای))

از نظر بنده ،مهارتهایی که یک معلم باید داشته  
باشد؛ یکی دانش حرفه ای است. دانش حرفه ای  
یعنی:

«دانش آگاهی از روش تدریس ها، شیوه های  
تدریس نوین و خلاق ،کلاس داری، فنون  
معلمی، روانشناسی کودک و ...»

ضلعی دیگر از مهارت های معلمی دانش  
تخصصی است؛ به عنوان مثال اگر بنده آموزگار  
ابتدایی باشم باید بر اصول و قوانین علوم تجربی،  
ریاضی، فارسی و هدیه و... تسلط داشته باشم یا  
بالعکس در جایگاه دبیر دوره متوسطه باید از  
توان علمی و تخصصی در رشته موردنظر  
برخوردار بوده و توانایی

ارائه داشته باشم.

جدای از این موارد مهارتی که یک معلم باید  
داشته باشد؛ سرزندگی و فعال بودن کودک درون  
است بنده در مقام یک معلم باید توانایی درک  
دانش آموزان را داشته و بتوانم خوب با آنها  
ارتباط برقرار کنم. باید از مهارت های ارتباطی  
برخوردار باشم تا بتوانم با مخاطبین خود که  
فراگیران هستند از طریق زبان بدن، از طریق  
گفتگو و کاربرد زبان ارتباط گرفته و دانسته هایم را  
به آنان منتقل کنم.





به عنوان مثال من به عنوان یک معلم با پوششی مناسب سر کلاس درس حاضر شوم و در عین آراستگی منظم بوده و برای دانش آموزان جذاب باشم در رفتار و کردار خود خطیر بوده و پایبند اصول و ضوابط اخلاقی باشم.

بعد روحانی و جسمانی خود را تقویت کند؛ مثلاً نواقص یا طرز خاصی از حرکات بدنی نداشته باشد؛ چراکه تمام این موارد و موارد یاد نشده دیگر می تواند در رشد ذهن و شخصیت دانش آموز تاثیر گذارد.

موارد فوق الذکر نظرات و بیانات اینجانب است و یقیناً مباحث مورد بحث دیگری نیز موجود است که اینک برای قصار و ایجاز کلام از آنان صرف نظر میکنیم.

« بهدخت سلیمانی »

اواسط سال موضوعی که مورد توجه بنده قرار گرفت؛ این بود که لباس هایی که در کلاس استفاده کرده ام در علاقه دانش آموزان تاثیر دارد و وسایل و لوازم التحریر خود را به آن رنگ تهیه کرده اند. اولیا آنان نیز به بنده می فرمودند: « شما هر رنگ لباس که می پوشید بچه های ما انتظار دارند ما همان رنگ را برایشان بگیریم. » یعنی حتی در انتخاب رنگ نیز دانش آموزان از معلم تقلید می کنند.

تجربه ثابت کرده است، هر چقدر پایه تحصیلی دانش آموزان پایین تر باشد تقلید از معلم بیشتر است؛ و این از رفتار ها و بایستگی های اکتسابی در شخصیت دانش آموزان است که در سنین نوجوانی و پایه های تحصیلی بالاتر خود را دارای شخصیتی مستقل می دانند و در این مورد شرایط خیلی سخت تر می شود و معلم باید برای فرار از قضاوت ها و همچنین ایجاد تاثیرات مثبت بر روی شخصیت و نواقص رفتاری خود بیشتر کار کند به عنوان مثال بعضی از معلمان داری تکیه کلامی هستند و ممکن است دانش آموزان نیز از آن در گفتار های محاوره ای و ارائه های خود استفاده کنند. معلم باید نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و در برطرف کردن و تقویت آنان گام بردارد.



## جهانی شدن و گشایش پنجره‌های جدید بر رویکردهای آموزشی

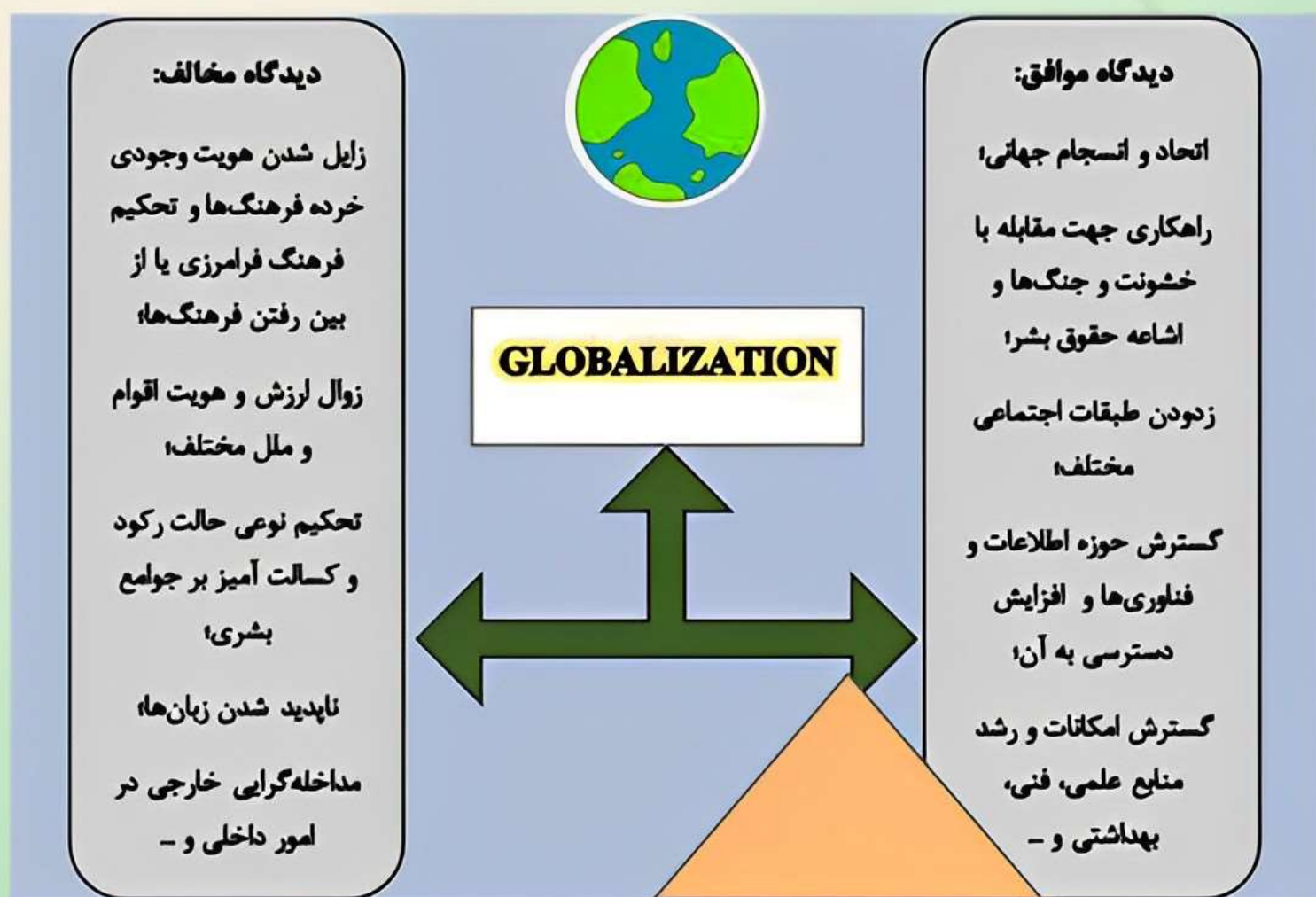
جهانی شدن عبارت است از اعمال و به کار بردن یک روش و شیوه در کار و صرف نظر از دیدگاه‌های مختلف، به واقع در سراسر جهان روش‌ها و شیوه‌های مختلفی وجود دارند که هر روز نیز به تعداد آنها افزوده می‌شود و تصور یک شکل و شیوه برای سرتاسر جهان بسیار دشوار است اما نظریه جهانی شدن از این ایده پیروی می‌کند که نظر و سلیقه کشور قدرتمند و صاحب نفوذ را در نظر و سلیقه کشورهای دیگر اعمال نماید و منبع تغییرات و تحولات بسیاری گردد. البته شایان ذکر است که این پدیده تأثیرات و منافع بسیاری به خصوص برای کشورهای ضعیف و کشورهای که توانایی ایجاد تحول و انقلاب در شیوه‌های آموزشی خود نداشته‌اند از خود بر جای نهاده است. نظریه جهانی شدن نظریه‌ای است که به مرزهای فیزیکی و سنتی توجه ندارد و در مسیر رسیدن به سراسر جهان است تا ایده‌ها و نقطه نظرات خود را به سایر افراد بشر القا نماید و از ایشان به عنوان پیروی از ایده خود یاد نماید. پژوهشگران بسیاری در تحقیقات خود به تاثیر و القای منافع و ضررهای پدیده جهانی شدن پرداخته‌اند لیکن حول تبعیت از این واقعه بزرگ منطقی و کارساز است؟ و یا خیر؟ دچار افتراق ایده‌ها و نظرات شده‌اند که کافی است به تحقیقات و رساله‌های پژوهشی که در این عنوان به رشته تحریر کشیده‌اند، مراجعه فرمائید.

تحولات و تغییرات گسترده‌ای در سیر تعلیم و تربیت بشری رخ داده است که هر یک نیز به فراخور خود موارد بدیع و جدیدی را به عرصه آموزش و تربیت بشری وارد ساخته است. یکی از بزرگ‌ترین وقایعی که در حد جهان شمول و همه گیر به واقعیت پیوسته است واقعه جهانی شدن می باشد. در روند این واقعه کشورهایی که از قدرت نسبتاً بالایی در مقایسه با همسایگان و سایر کشورها برخوردار بودند به آن تسلط یافته و نفوذهایی را اعمال کرده و نقاط مثبت و سازنده آنها را به سمت خود گسیل داشته‌اند و بدین ترتیب جوامع دارای قدرت، رشد بیشتر و بهتری را کسب کردند و سایر جوامع نیز از ره‌آرد آنها که بومی شده نبودند بهره گرفتند. پژوهش حاضر در راستای برجسته سازی تأثیر جهانی شدن در حیطه تربیت و تعلیم جامعه و بررسی اثر آن در جهت سازندگی تربیت و تعلیم می باشد.

پدیده جهانی شدن واقعه‌ای بوده است که سراسر جوامع آموزش بشری را پوشانده است و جوامع آموزشی نیز ناگزیر از پیوستن به آن بوده اند.



آنگاه مشاهده خواهید نمود که محققان در بحث تأثیر و ایفای نقش پدیده جهانی شدن در آموزش به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند که یک دسته از آن تحت عنوان دیدگاه موافق و دسته دیگر با عنوان دیدگاه مخالف یاد می‌شوند که در مدل (1) به صورت تبسیطی نشان داده شده‌اند.



مدل (1): دیدگاه‌های موافق و مخالف پدیده جهانی شدن



عارض شدن دیدگاه‌ها و نظریات مختلف دلیلی بر کنار نهادن ایده مورد نظر نیست و می‌بایست نگرشی میانه همراه با به‌کارگیری جوانب سازنده هر دو دیدگاه ساخت و بدین جهت بر جوانب منفی فائق آمد. در هر صورت جهانی شدن واقعیتی است که در برخی از جوانب زندگی بشری اعم از زبان، ارتباطات و تعاملات، بهداشت و درمان و بالاخص آموزش و تربیت افراد جامعه عارض شده است و عدم حرکت همسو با این خیل بزرگ حاکی از عقب افتادگی و رکود علمی - آموزشی خواهد بود.

همگام با رخداد واقعه جهانی شدن نظام‌های های آموزش و آموزشی و تربیتی اعم از دستگاه پرورش و نظام‌های آموزش عالی در کشورهای مختلف به حیطة جدیدی از منطق آموزشی والگوهای بدیع روی آوردند؛ به‌طوری که در زمان بسیار کوتاهی آموزش سنتی به جهت و سمتی نو رو نهاد و اشکالی چون آموزش با به کارگیری موبایل، آموزش در فضای مجازی، آموزش الکترونیکی و آموزش در دنیای غیرحقیقی ... به‌خود گرفت.

جهانی شدن مرحله‌ای ابتدایی جهت نفوذ رویکردهای نوین آموزشی بوده است لیکن طبق گفته سیدگر و همکاران (1401) در پژوهشی تحت عنوان «عصر پسا جهان گرایی و دگر دیسی در آموزش»؛ از آموزش و پرورش نوین با پیشوند (E) تا آموزش و پرورش فرانونین با پیشوند (V) و (H) مرحله جدیدی تحت عنوان پساجهان

گرایی مطرح شده است و نقطه افتراق بین این دو وهله بیان داشته‌اند بدین جهت که در وهله ابتدایی واقعه جهانی شدن بر محیط‌های مختلف بشری عارض شده است و تغییراتی را به وجود آورده است لیکن در وهله دوم این خود افراد بوده‌اند که به سمت این واقعه گرایش داشته‌اند و خود تغییرات فرانونینی را تأسیس نموده‌اند. علی‌ای حال هر دو واقعه مذکور جهان تربیتی، آموزشی و علمی سرتاسر جهان را دچار تغییرات بزرگی نموده و سایه آموزش فرانونین را بر جامعه تحکیم داشته است و به تبع آن تحولات و تغییرات انقلاب‌گونه رخ داده‌اند.

حرکت به سوی پیشرفت در سرتاسر تاریخ بشری امری غیر قابل انکار است بالاخص در عرصه و حیطة آموزش و تعلیم و تربیت افراد جامعه مشهودتر بوده است.

جهانی شدن سایه‌ای بوده است که عرصه این پیشرفت را در میان جوامع مختلف بشری تقسیم نموده و گرایش به آموزش را برای افراد جامعه فراهم آورده است.

انقلاب در آموزش به وسیله جهانی شدن و سپس به واسطه پساجهان گرایی رخ داده است؛ چرا که دو واقعه مذکور با تحکیم تکنولوژی‌ها و فناوری‌های نوین و فرانونین در جامعه جهانی و اجتماعات جهانی ریشه‌های تعلیم و تربیت را قدرت مند تر نموده و بدین جهت نیاز بشری به دانش را به حدی برطرف ساخته است.

عبدالباسط سیدکر





در پایان، از شما عزیزان تقاضا داریم که حتما پیشنهادات،  
انتقادات و نظرات خود را با ما در میان بگذارید تا بتوانیم  
به بهترین شکل ممکن در خدمت شما باشیم.

